

نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی و حل تعارض دعاوی ناشی از خسارات هسته‌ای در پرتو کنوانسیون‌های بین‌المللی

محمد حامد وحیدی،^۱ مرضیه افضلی مهر،^۲ فاطمه کیهان‌لو^۳

چکیده

نحوه تامین انرژی باتوجه به مصرف و تقاضا، مسئله‌ای حیاتی در جهان معاصر است. انرژی‌های فسیلی دارای منابع محدودی در سطح جهان و به تدریج رو به اتمام هستند، لذا کشورها به دنبال یافتن یک انرژی جایگزین می‌باشند. با وجود فوایدی که از فعالیت‌های هسته‌ای حاصل می‌گردد، اغلب ممکن است شاهد خسارات داخلی و فرامرزی اینگونه فعالیت‌ها باشیم. ورود خسارت به قربانیان حادثه موجب طرح مسئله شناسایی نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی و حل تعارض رسیدگی به دعاوی ناشی از خسارات هسته‌ای می‌گردد که موضوع پژوهش حاضر می‌باشد. یافته‌های پژوهش اشاره دارد، از اینکه دو کنوانسیون اصلی مسئولیت مدنی پاریس و وین، بهره‌برداری تاسیسات هسته‌ای را مسئول جبران خسارت دانسته‌اند، و از حیث صلاحیت قضایی، دادگاه محل وقوع حادثه در وهله نخست و در برخی موارد دادگاه محل وقوع تاسیسات هسته‌ای را صالح به رسیدگی می‌دانند و همچنین از لحاظ صلاحیت قانونی، حسب مورد مقررات کنوانسیون، قانون مقر دادگاه صالح، قانون ملی کشور محل تاسیسات را دارای صلاحیت دانسته‌اند. با یک بررسی در حقوق داخلی بایستی گفت که کشور ایران در حوزه مسئولیت مدنی هسته‌ای قانون مدون ندارد و به هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی نیز ملحق نگردیده است. لذا هدف پژوهش بررسی مقررات مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی به روش تحلیلی و توصیفی در جهت تصویب قانون در حوزه مسئولیت مدنی جبران خسارات هسته‌ای یا الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی با در نظر گرفتن سیاست قضایی موجود در این حوزه می‌باشد.

واژگان کلیدی: بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای، صلاحیت قضایی، صلاحیت قانونی، کنوانسیون پاریس و وین

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج hamed.vahidi96@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

^۳ استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

مقدمه

انرژی‌های فسیلی به انرژی‌هایی اطلاق می‌گردد که از سنگواره‌ها پدید می‌آید و به سه نوع نفت، زغال سنگ، گاز طبیعی تقسیم‌بندی می‌گردد. دی اکسید کربن حاصل از سوزاندن سوخت‌های فسیلی باعث انتشار گازهای گلخانه‌ای شده و در نتیجه موجب گرم شدن کره زمین می‌شود. با ادامه این روند تا اوایل دهه ۲۰۳۰ دمای زمین بطور میانگین ۱/۵ تا ۴/۵ درجه سانتی‌گراد افزایش خواهد یافت. علاوه بر افزایش دما، تغییر الگوی بارندگی، تغییر جریان آب و هوا، آلودگی منابع آب از دیگر پیامدهای آن خواهد بود. تمامی این پدیده‌ها حاصل بهره‌برداری از سوخت‌های فسیلی می‌باشد که این امر می‌تواند با جایگزینی سوخت‌های مناسب‌تر تا اندازه زیادی از آثار رو به تزايد تخریب کره زمین جلوگیری کند (وجدی، ۱۳۹۲: ۳). باید توجه داشت علاوه بر موارد مذکور سوخت‌های فسیلی دارای منابع محدودی در سطح جهان می‌باشد و اینگونه انرژی در حال اتمام است، لذا با عنایت به جنبه‌های مثبت جایگزینی انرژی هسته‌ای بر محیط زیست، کشورهای توسعه یافته به دنبال استفاده بهینه از سوخت‌های فسیلی و روی آوردن به انرژی هسته‌ای می‌باشند (مشیرپور، ۱۳۹۴: ۱۶). در نیمه اول قرن بیستم، تحولی شگرف در تئوری‌های تحلیل جهان ماده به وجود آمد. تلاش‌های دانشمندانی از جمله رادرفورد، پلانک، انیشتین، باعث تکمیل نظریه‌های شکافت اتم گردید. وجود این انرژی بسیار حائز اهمیت است، زیرا از آن در حوزه‌های پزشکی و کشاورزی و صنعت استفاده می‌گردد (هاشم‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷). کشور ایران هم در میان کشورهای قرار دارد که از مدت‌ها قبل برای استفاده از انرژی هسته‌ای برنامه‌ریزی کرده است. امروزه کشور ایران توانسته با همت دانشمندان هسته‌ای خود به فناوری بومی هسته‌ای نایل گردد، لذا در کنار توسعه این فناوری، نباید از ایجاد مقررات و قوانین مرتبط با حقوق هسته‌ای غافل بماند.

فناوری هسته‌ای به موازات فواید گوناگون خود، گاهی در نتیجه بهره‌برداری منجر به ایجاد خسارت بر محیط زیست می‌گردد. این موضوع موجب طرح مسئله شناسایی نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی جبران خسارات اتمی و نحوه جبران آن می‌گردد، لذا در دهه ۱۹۵۰ میلادی ضرورت تدوین قوانین مرتبط با اینگونه مباحث در اغلب کشورهایی که از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز بهره می‌بردند، آشکار گردید. قانونگذاران برخی کشورها، باتوجه به این امر که غالباً تصور بر این است که فعالیت‌های هسته‌ای، بسیار خطرناک‌تر از فعالیت‌های خطرناک متعارف می‌باشند، به این نتیجه رسیدند که مسئولیت ناشی از خسارات اتمی باید تابع رژیم حقوقی خاصی واقع گردد تا جبران فوری خسارت بدون اینکه بر چرخه نوپای هسته‌ای خللی وارد گردد، فراهم آید.

در سطح ملی، نخستین قانون در حوزه مسئولیت مدنی هسته‌ای در ایالات متحده آمریکا تحت عنوان قانون پرایس - اندرسون به تصویب رسید. قانون پرایس - اندرسون علاوه بر اینکه مبنای وضع قوانین سایر کشورها

در زمینه جبران خسارات هسته‌ای واقع گردید، در تدوین کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی مرتبط با جبران چنین خساراتی مورد استفاده قرار گرفت. با تصویب قانون پاریس - اندرسون زمینه برای توسعه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای در سطح جهانی و منطقه‌ای فراهم گردید. از طرفی ضرورت تدوین مقررات در جهت ایجاد نظام حقوقی بین‌المللی خاص مسئولیت مدنی جبران خسارات هسته‌ای در سطح بین‌المللی با توجه به ماهیت فرامرزی اینگونه خسارات احساس گردید، که منجر به ایجاد کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی جبران خسارت هسته‌ای گردید. بدین منظور در سطح بین‌المللی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در سطح منطقه، سازمان همکاری اقتصادی اروپا که اکنون به سازمان همکاری و اقتصادی توسعه تغییر نام یافته است، عهده‌دار ایجاد کنوانسیون‌های ویژه مسئولیت مدنی هسته‌ای شدند. خواستگاه نظام حقوقی بین‌المللی خاص راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای به اوایل دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد، هنگامی که نخستین اسناد بین‌المللی، یعنی کنوانسیون مسئولیت مدنی شخص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای پاریس و کنوانسیون وین راجع به مسئولیت مدنی خسارات هسته‌ای به ترتیب تحت نظارت سازمان همکاری اقتصادی اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تصویب رسیدند (رضایی پیش رباط(ج)، ۱۳۹۵: ۱). پس از تصویب این اسناد، اصلاحاتی به منظور لحاظ کردن پیشرفت‌های حاصله در ابعاد حقوقی مسئولیت مدنی هسته‌ای صورت گرفته است.

۴۷ بررسی این کنوانسیون‌ها از دو جهت حائز اهمیت و ضرورت است: نخست آنکه، این کنوانسیون‌ها دارای اصول بنیادین راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای می‌باشند که تفاوت اساسی با اصول عام مسئولیت مدنی دارند و در مواردی در تعارض با یکدیگرند. دوم آنکه، فعالیت‌های هسته‌ای گاه خساراتی فراتر از مرزهای جغرافیایی کشور متصدی به وجود می‌آورد و دعاوی ناشی از آن جنبه بین‌المللی به خود گرفته و موجب تعارض صلاحیت قضایی و قانونی می‌گردد. کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای در جهت حل تعارض دعاوی مقرراتی را گنجانده‌اند. کشور ایران عضو هیچیک از کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی جبران خسارت هسته‌ای نمی‌باشد و در خصوص مسئولیت مدنی خسارات هسته‌ای قانون خاصی را به تصویب نرسانده است، لذا با توجه به اینکه فعالیت‌های هسته‌ای در ایران در اختیار دولت است با توسل به قواعد عام مسئولیت مدنی، بایستی مسئول جبران خسارت هسته‌ای را شناسایی نمود. بررسی کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی بین‌المللی فرصت را برای الحاق کشور ایران به کنوانسیون‌ها یا تصویب قانون خاص در حوزه مسئولیت مدنی هسته‌ای با توجه به همسویی با دیگر کشورهای پیشرفته در صنعت هسته‌ای، و نیز طرح مقررات مناسب مندرج در کنوانسیون‌ها در حقوق داخلی و طرح پیشنهاداتی جهت رفع کاستی‌های موجود فراهم می‌کند.

۱- مفهوم‌شناسی پژوهش

در این قسمت به بررسی مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با پژوهش حاضر می‌پردازیم:

۱-۱- مفهوم حقوق هسته‌ای

حقوق هسته‌ای، مجموعه‌ای از قواعد ویژه حقوقی می‌باشند که جهت نظام‌مند کردن اعمال اشخاص حقیقی و حقوقی شکل گرفته‌اند، و در حوزه فعالیت‌های مرتبط با مواد هسته‌ای قابل شکافت یا پرتوهای یونیزه بکار می‌روند و یا به فعالیت‌هایی مرتبط هستند که متضمن قرار گرفتن در معرض منبع رادیو اکتیو طبیعی است (فقیهی، ۱۳۸۹: ۲). مقررات حقوق هسته‌ای به چهار دسته تقسیم می‌شوند: نخست، مقررات مربوط به حفاظت در مقابل تشعشع. دوم، مقررات مربوط به ایمنی هسته‌ای و تشعشع رادیواکتیو. سوم، مقررات مربوط به مسئولیت مدنی و جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای. چهارم، مقررات مربوط به عدم استفاده غیرصلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و جلوگیری از تولید سلاح‌های هسته‌ای (رضایی پیش رباط(الف)، ۱۳۹۱: ۲۳۶). مراد از بیان این چهار دسته از مقررات حقوق هسته‌ای به دست آوردن یک قالب کلی مرتبط با بحث حقوق هسته‌ای است. پژوهش حاضر به بررسی مقررات مربوط به دسته سوم می‌پردازد، که غالباً در کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی جبران خسارات هسته‌ای متجلی گردیده است.

۴۸

۱-۲- مفهوم مسئولیت مدنی بین‌المللی هسته‌ای

در حقوق مسئولیت مدنی کلاسیک، بار شدن مسئولیت بر عامل زیان مستلزم احراز ارکان سه‌گانه ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت میان ضرر وارده و فعل زیانبار واقع می‌باشد. خسارات وارده از فعالیت‌های اتمی دارای ویژگی‌های خاصی هستند و با قواعد کلاسیک مسئولیت مدنی نمی‌توان از عهده جبران آنها برآمد، به همین دلیل ضروری است نظام خاص حقوقی جبران این قبیل خسارات به صورت استثنایی وارد بر قواعد عمومی مسئولیت مدنی مطرح گردند که تا حد امکان زمینه برای جبران اینگونه خسارات نیز فراهم آید (ناظری، ۱۳۹۲: ۳). در واقع مسئولیت مدنی بین‌المللی هسته‌ای، به مجموعه قواعد و مقررات حقوقی برای جبران خسارت زیان‌دیدگان از حوادث هسته‌ای گفته می‌شود، که اینگونه مقررات عمدتاً در دو سری از کنوانسیون‌های بین‌المللی گنجانده شده است. یکسری از کنوانسیون‌ها، در سطح منطقه‌ای توسط سازمان همکاری و اقتصادی اروپا شکل گرفته است. به این کنوانسیون‌ها، کنوانسیون بین‌المللی در سطح منطقه‌ای گفته می‌شود، زیرا از یک سو توسط کشورهای عمدتاً اروپایی غربی منعقد شده و از سوی دیگر صرفاً نسبت به کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه قابل اعمال است. البته بر مبنای ماده ۲۱ کنوانسیون مسئولیت مدنی جبران خسارت هسته‌ای پاریس مصوب سال ۱۹۶۰ میلادی، که یک کنوانسیون مسئولیت

مدنی منطقه‌ای می‌باشد، عضویت یافتن سایر دولت‌ها در صورت رضایت کلیه اعضای عضو کنوانسیون میسر است. یکسری دیگر از کنوانسیون‌ها وجود دارد که در سطح جهانی و به همت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شکل گرفته است (یزداینان، ۱۳۹۳: ۱۵۷)، که از جمله آن کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی جبران خسارت هسته‌ای وین مصوب سال ۱۹۶۳ میلادی می‌باشد.

۱-۳- معرفی سازمان منطقه‌ای همکاری اقتصادی اروپا

سازمان همکاری اقتصادی اروپا^۱ در پاریس مستقر است. این سازمان یک سازمان منطقه‌ای است که دارای سی و پنج عضو می‌باشد و به تعبیری عمده‌ترین سازمان تصمیم‌گیرنده اقتصادی است. این سازمان در سال ۱۹۴۸ میلادی تاسیس گردید و تحت مدیریت مارژولین فرانسوی، به منظور اجرای طرح بازسازی کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد شد. در سال‌های بعد، اعضای غیراروپایی نیز به این سازمان پیوستند. در سال ۱۹۶۱ میلادی در اجلاسی با تصویب نامه جدید در زمینه توسعه و اقتصاد نام سازمان را نیز به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ تغییر دادند. سابقه فعالیت سازمان همکاری و اقتصادی اروپا را می‌توان در دو مرحله تقسیم کرد: نخست، فعالیت کشورهای غربی از سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۶۰ تا دسامبر سال ۱۹۷۳ که بیشتر بر روی مسائلی از قبیل رشد اقتصادی در سطح جهانی، اشتغال کامل، کاهش تورم متمرکز بود. از سال ۱۹۷۴ به بعد کشورهای مذکور با بحران انرژی و عواقب ناشی از آن مواجه شدند. اینگونه جریان‌ها در فعالیت سازمان که اجتماعی از کشورهای غربی بود منعکس شد (رضایی پیش رباط (ب)، پیشین: ۲۲۹). بطور کلی شناخت این سازمان از این جهت اهمیت دارد که کنوانسیون منطقه‌ای مسئولیت مدنی هسته‌ای پاریس در سال ۱۹۶۰ میلادی^۳ به تبعیت از اصول مذکور در قانون پاریس - اندرسون ایالات متحده آمریکا و با همت سازمان همکاری اقتصادی اروپا به تصویب رسید.

۱-۴- معرفی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۴ در سال ۱۹۵۷ میلادی، با هدف اشاعه کاربرد صلح‌آمیز انرژی اتمی تاسیس گردید. آژانس دارای سه رکن کنفرانس عمومی، شورای حکام، دبیرخانه می‌باشد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به جهت تحقق دو هدف تشکیل شد: نخست، تشویق استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای. دوم، جلوگیری از انحراف استفاده صلح‌آمیز از اتم (وجدی، پیشین: ۳). آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک سازمان

^۱ OEEC (Organization for European Economic Co-Operation)

^۲ OECD (Organization for European Economic Co-Operation and Development)

^۳ Convention on third party liability in the field of nuclear energy

^۴ IAEA (International Atomic Energy Agency)

بین‌المللی است که بعنوان یک نهاد مستقل تاسیس شده و جزئی از سازمان ملل یا سازمان دیگری نیست، با این حال در اساسنامه اعلام کرده که گزارش‌های خود را به مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد ارائه می‌دهد. پیشنهاد تاسیس این سازمان را دوایت آیزنهاور، رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد که به سخنرانی اتم برای صلح معروف شد، در سال ۱۹۵۳ مطرح کرد. در زمانی که سازمان همکاری اقتصادی اروپایی شروع به کار بر روی کنوانسیون منطقه‌ای پاریس می‌کرد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصمیم گرفته بود تا کنوانسیون خود را در همان موضوع مسئولیت مدنی هسته‌ای تدوین نماید. تلاش‌های آژانس پس از سه سال از تصویب کنوانسیون پاریس نهایتاً، در سال ۱۹۶۳ میلادی منجر به تصویب کنوانسیون وین در مورد مسئولیت مدنی ناشی از خسارات اتمی^۱ گردید. کنوانسیون وین برخلاف کنوانسیون پاریس قلمرو جهانی دارد و برای همه کشورهای دنیا منعقد شده است. برطبق ماده ۲۴ کنوانسیون وین، عضویت اعضا سازمان ملل متحد، اعضا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این کنوانسیون آزاد می‌باشد. کشور ایران عضو هیچ کدام از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی بین‌المللی و منطقه‌ای نمی‌باشد. با این حال، همانطور که از مقررات کنوانسیون‌ها پیداست، الحاق یا عدم الحاق کشورها به کنوانسیون‌های مذکور بنا به صلاحدید کشورها آزاد است.

۵-۱- مفهوم بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای

کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مسئولیت مدنی هسته‌ای، اصولاً بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای^۲ را مسئول جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای می‌دانند. این مسئولیت در قالب یک اصل با عنوان اصل کانالیزه کردن مسئولیت به سمت بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای در کنوانسیون‌ها مطرح گردیده است. کنوانسیون پاریس مصوب ۱۹۶۰ میلادی در تعریف بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای مقرر می‌دارد: «بهره‌بردار یک تاسیسات هسته‌ای به شخصی اطلاق می‌شود که توسط مقام عمومی صالح بعنوان بهره‌بردار آن تاسیسات تعیین یا شناسایی شده است»^۳. کنوانسیون وین مصوب ۱۹۶۳ میلادی در تعریف مشابه به تعریف کنوانسیون پاریس مقرر می‌کند که: «بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای به شخصی اطلاق می‌شود که توسط دولت محل تاسیسات بعنوان بهره‌بردار آن تاسیسات منصوب یا مشخص شده باشد»^۴، لذا کنوانسیون وین

¹ Vienna convention civil liability for nuclear damage

² Operator of nuclear installation

³ paris convention, 1960, Article I(a)(vi)

⁴ Vienna convention, 1963, Article I (1)(c)

جای عبارت مقام عمومی صالح؛ عنوان دولت محل تاسیسات را ذکر نموده است (یزدانیان، پیشین: ۱۶۰). بنابراین تاسیسات هسته‌ای می‌بایست تحت نظارت یک شخص بعنوان متصدی قرار گیرد.

۱-۶- مفهوم دولت محل تاسیسات

کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی جبران خسارات هسته‌ای وین، در رابطه با تعریف دولت محل تاسیسات مقرر می‌کند که: «دولت محل تاسیسات به طرف متعهده‌ی اطلاق می‌گردد که در چارچوب قلمرو آن دولت، تاسیسات هسته‌ای واقع شده باشد، یا در صورت عدم واقع شدن در چارچوب قلمرو هیچ یک از دولت‌ها، به طرف متعهده‌ی اطلاق می‌گردد که توسط آن، یا تحت اختیار آن، تاسیسات متصدی هسته‌ای فعالیت می‌کند».^۳

۲- نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی

نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر مسئولیت مدنی جبران خسارات هسته‌ای، توسط دو سری از کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی شکل گرفته است که عبارت است از کنوانسیون‌های منطقه‌ای و کنوانسیون‌های جهانی و بین‌المللی. کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی خسارات هسته‌ای به پیروی از اصول مندرج در قانون پرایس - اندرسون ایالات متحده آمریکا به تصویب رسیده‌اند. در اینجا مقررات بین‌المللی که بر مسئولیت مدنی خسارات هسته‌ای حاکم می‌باشد، مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۱- قانون پرایس - اندرسون ایالات متحده آمریکا

در خصوص خسارات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۵۷ میلادی قانونی با عنوان، قانون پرایس - اندرسون به تصویب رسیده است. قانون پرایس - اندرسون که یکی از نخستین قوانین ملی در سطح جهان در حوزه جبران خسارات هسته‌ای محسوب می‌گردد، منشاء ایجاد و شکل‌گیری قوانین سایر کشورها و همچنین کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مسئولیت مدنی هسته‌ای گردیده است (محقق منتظری، ۱۳۸۳: ۲۹). قانون پرایس - اندرسون که هر ده سال یکبار مورد تمدید قرار می‌گیرد، بیش‌تر بر جنبه‌های تجاری تأکید داشته و فعالیت‌های تجاری را تحت پوشش قرار می‌دهد. هدف ایجاد کنندگان این قانون، از طرفی تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در صنایع هسته‌ای صلح‌آمیز از طریق ایجاد

¹ The competent public authority

² Installation state

³ Vienna convention, 1963 , Article I(1)(d)

⁴ Price - Anderson Act

محدودیت در مسئولیت آنها در قبال ضرر و زیان احتمالی از این صنایع و از طرف دیگر تسهیل شرایط برای قربانیان حادثه جهت اقامه دعوی علیه عامل زیان و دریافت غرامت فوری، بود. وسعت ضرر و زیان احتمالی ناشی از صنایع هسته‌ای و ناتوانی بخش خصوصی در جبران تمامی این ضرر و زیان‌ها موجب شده بود که این بخش تا زمان تدوین قانون یاد شده، تمایل چندانی به مشارکت در زمینه صنعت هسته‌ای از خود نشان ندهد (رضایی پیش رباط(ب)، پیشین: ۲۲۷). قانون پرایس - اندرسون با معرفی قواعدی نظیر، محدودیت میزان مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات اتمی، اجباری نمودن پوشش بیمه مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات اتمی، الزام دولت بر جبران زیان‌های هسته‌ای در صورت عدم کفایت پوشش بیمه، زمینه را برای مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنایع هسته‌ای هموار نمود. قانون پرایس - اندرسون، نقطه عطف در شکل‌گیری نظام حقوقی مسئولیت مدنی جبران خسارات هسته‌ای می‌باشد.

۲-۲- شکل‌گیری کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای

ضرورت تدوین مقررات مسئولیت مدنی هسته‌ای در سطح بین‌الملل، با عنایت به ماهیت فرامرزی خسارات هسته‌ای و تسری اینگونه خسارات به آنسوی مرزهای کشورهای مجاور، در جهت شکل‌گیری نظام حقوقی ویژه جبران خسارت هسته‌ای احساس می‌گردید، که منجر به تدوین کنوانسیون‌های بین‌المللی گردید. در سال ۱۹۶۰ میلادی نخستین کنوانسیون در زمینه خسارات هسته‌ای توسط سازمان همکاری اقتصادی اروپا با عنوان کنوانسیون پاریس تدوین گردید. کنوانسیون پاریس راجع به مسئولیت مدنی شخص ثالث در زمینه انرژی اتمی^۱ دارای شانزده امضاء کننده اولیه بود که سیزده امضاء کننده آن را تصویب کردند و یکسال بعد از به اجرا درآمدن آن، دولت فنلاند و در سال ۲۰۰۰ دولت اسلونی هم به آن ملحق شدند. پانزده عضو کنوانسیون عبارتند: بلژیک، دانمارک، فنلاند، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، اسلونی، ترکیه، بریتانیا. کنوانسیون پاریس زمانی اعمال می‌شود که حادثه موجب خسارت در قلمرو یک عضو اتفاق می‌افتد، ولی خسارات ناشی از آن در قلمرو کشور عضو دیگری واقع می‌گردد. هدف این کنوانسیون، هماهنگ‌سازی قوانین ملی کشورهای عضو در خصوص مسئولیت در قبال ضرر و زیان و بیمه هسته‌ای است. کنوانسیون پاریس در سال ۱۹۶۳ به وسیله کنوانسیون تکمیلی بروکسل^۲ تکمیل گردید و دو کنوانسیون در سال ۲۰۰۳ مورد اصلاح واقع شده‌اند. لیکن اصلاحات سال ۲۰۰۳ هنوز لازم‌الاجرا نشده است (یزدانیان، پیشین: ۵۱۸). هدف این کنوانسیون فراهم آوردن منابع بیشتر برای جبران خسارات هسته‌ای از طریق متعهد کردن دولت‌ها

¹ Paris convention on third party liability the field of nuclear energy

² Convention supplementary to the Paris convention on third party liability in the field of nuclear energy

به ایحاد صندوق‌های تکمیلی بین‌المللی بوده است. در حال حاضر دوازده دولت عضو کنوانسیون تکمیلی بروکسل می‌باشند.

دیگر کنوانسیون اصلی، کنوانسیون وین راجع به خسارت هسته‌ای^۱ می‌باشد. کنوانسیون وین در مورد مسئولیت مدنی برای خسارات اتمی، دارای همان اصول اساسی مندرج در کنوانسیون پاریس است که عبارتند از: اصل مسئولیت محض بهره‌بردار، اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار، اصل محدودیت مسئولیت بهره‌بردار، اصل تضمین مالی اجباری، اصل مداخله دولت (رضایی پیش رباط (ب)، پیشین: ۱۵۷). هر کشوری قادر است به کنوانسیون وین ملحق شود و عضویت در کنوانسیون از این جهت محدودیت ندارد، فارغ از اینکه آن کشور عضو کنوانسیون هسته‌ای دیگری باشد یا نباشد. در حال حاضر سی و دو کشور عضو این کنوانسیون می‌باشند که عبارتند از: آرژانتین، ارمنستان، بلاروس، بوسنی و هرزگوین، برزیل، مکزیک، لیتوانی، نیجر، پرو، فیلیپین، لهستان، جمهوری مالدوای، رومانی، اسلواکی، اسلونی، ترینیداد و توباگو، اوکراین، اروگوئه، یوگوسلاوی، بلغارستان، کامرون، شیلی، کرواسی، کوبا، جمهوری چک، مصر، استونی، مجارستان، لاتویا، لبنان، بولیوی. کنوانسیون وین بطور مشخص محدوده سرزمینی خود را تعیین نکرده است. نظریه عمومی این است که کنوانسیون وین همانند کنوانسیون پاریس، خسارت‌های واقع شده در قلمرو کشورهای عضو را تحت پوشش قرار می‌دهد (محقق منتظری، پیشین: ۲۷). در سال ۱۹۹۷ میلادی کنوانسیون وین توسط دولت‌های عضو ۵۳ جهت اصلاح برخی از مقررات راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت‌های هسته‌ای با تصویب پروتکلی تحت عنوان پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین مورد اصلاح قرار گرفت. با وجود دقت نظرهایی که برای ایجاد رژیم موجود برای مسئولیت مدنی هسته‌ای شکل گرفته بود، کاملاً مناسب به نظر نمی‌رسید. این نقصان زمانی بیشتر آشکار شد که اتحاد جماهیر شوروی از پذیرش مسئولیت خسارات وارده در کشورهای دیگر که از حادثه چرنوبیل ناشی شده بود، خودداری کرد. شوروی عضو هیچ‌کدام از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی اتمی نبود و حتی قانون داخلی هم در این زمینه نداشت. بنابراین معتقد بود که در برابر خسارات فرامرزی مسئول نیست مگر اینکه عضو یک موافقتنامه الزام‌آور بین‌المللی باشد که در آن صریحاً چنین مسئولیتی را پذیرفته باشد و چنین معاهده‌ای موجود نیست (ناظری، ۱۳۹۲: ۳۱).

دو کنوانسیون عمده در مورد مسئولیت مدنی هسته‌ای، کنوانسیون‌های پاریس و وین بودند. این دو کنوانسیون هیچ عضو مشترکی نداشتند. کنوانسیون وین و پاریس با اینکه اصول مشترکی داشتند، اما به جهت قلمرو جغرافیایی متفاوت بودند. چنانکه اگر حادثه در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون پاریس اتفاق می‌افتاد و موجب ضرر و زیان در یک کشور عضو کنوانسیون وین می‌شد، زیان‌دیده نمی‌توانست از امکانات

¹ Vienna convention on civil liability for nuclear damage

² Protocol to amend the Vienna convention on liability for nuclear damage

پیش‌بینی شده در کنوانسیون پاریس جهت جبران ضرر و زیان وارده به خود استفاده نماید، به همین جهت به منظور رفع این مشکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان همکاری اقتصادی اروپا پروتکل مشترکی را به منظور مرتبط کردن مقررات دو کنوانسیون به یکدیگر تدوین کردند. به همین منظور، در سال ۱۹۸۸ میلادی، پروتکل مشترک مربوط به اعمال کنوانسیون وین و پاریس^۱ بعنوان پل ارتباطی دو کنوانسیون مذکور در راستای توسعه قلمرو جغرافیایی آنها تصویب و در سال ۱۹۹۲ میلادی، لازم‌الاجرا گردید. در واقع متعاقب حادثه چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ میلادی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد تمامی جنبه‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای با هدف اصلاح کنوانسیون‌های اصلی اقدام کرده و یک رژیم مسئولیت جامع را به وجود آورد. این پروتکل در حال حاضر بیست و هشت عضو دارد. کنوانسیون جبران تکمیلی خسارات هسته‌ای^۲ نیز در سال ۱۹۹۷ میلادی و همزمان با پروتکل اصلاحی کنوانسیون مسئولیت مدنی وین انعقاد یافت و هنوز لازم‌الاجرا نشده است. شرط ورود کنوانسیون به مرحله اجراء، تسلیم پنج سند تصویب از سوی پنج دولت با حداقل ۴۰۰/۰۰۰ واحد ظرفیت هسته‌ای نصب شده به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که تاکنون سه دولت چنین اسنادی را تسلیم نموده‌اند (رضایی پیش رباط (ب)، پیشین: ۲۳۳). از کنوانسیون مزبور بعنوان فصل جدیدی در حقوق مسئولیت مدنی هسته‌ای یاد می‌شود. زیرا این کنوانسیون، اساس نظام حقوقی مسئولیت مدنی هسته‌ای جهانی را که می‌توان حامیان بسیاری در هر کشور واجد تأسیسات هسته‌ای یا فاقد تأسیسات هسته‌ای داشته باشد، فراهم نماید (یزدانیان، پیشین: ۱۵۹). تدوین کنندگان کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت با الزام اعضای عضو نسبت به اقدام فوری وقوع حادثه اتمی از ناحیه دولت محل وقوع حادثه به سایر کشورهای عضو کنوانسیون مذکور را از سایر کنوانسیون‌ها متمایز می‌سازد.

۵۴

اعمال کنوانسیون‌های اصلی مسئولیت مدنی هسته‌ای در مواردی که به علت وضعیت خاص، حمل و نقل مواد هسته‌ای از طریق دریا بود ایجاد اشکال می‌کرد، زیرا در مورد حوادث ناشی از مواد اتمی در دریاهای آزاد قواعد کنوانسیون‌های دیگر کامل نبود و از طرفی از قبل کنوانسیون‌هایی در مورد حمل و نقل دریایی وجود داشت که نسبت به حمل و نقل مواد هسته‌ای قابل اعمال بودند ولی قواعد آنها متناسب با وضعیت مواد اتمی نبود. به همین جهت کنوانسیون مسئولیت مدنی در زمینه حمل و نقل دریایی مواد هسته‌ای^۳ در سال ۱۹۷۱ میلادی و با تلاش و همکاری سازمان بین‌المللی دریایی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آژانس هسته‌ای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی منعقد و در ۱۵ جولای ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا گردید (رضایی پیش رباط (ب)، پیشین: ۲۳۲). برطبق کنوانسیون مذکور هر شخصی که برای خسارات هسته‌ای در جریان حمل و نقل دریایی به موجب کنوانسیون‌های بین‌المللی یا قانون داخلی ممکن است مسئول شناخته شود، از مسئولیت بری

¹ Joint protocol relating to applicability of the Vienna and Paris convention

² Convention on supplementary convention of nuclear damage

³ Convention relating civil liability field of maritime carriage of nuclear material

می‌شود، به شرطی که بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای برای چنین خساراتی به موجب کنوانسیون پاریس یا کنوانسیون وین یا به موجب قانون داخلی مسئول باشد (یزدانیان، پیشین: ۱۵۹). از طرفی گاهی مواقع تأسیسات اتمی در قلمرو خاک یک کشور ثابت نیستند، این امور معمولاً تأسیساتی می‌باشند که در کشتی و ناوها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. لذا کنوانسیون مسئولیت مدنی بهره‌برداران کشتی‌های اتمی^۱ در سال ۱۹۶۲ میلادی، با تلاش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان بین‌المللی دریایی در شهر بروکسل تصویب شد، با وجود اینکه حدود نیم قرن از انعقاد آن گذشته ولیکن مقررات آن هنوز لازم‌الاجرا نشده است (رضایی پیش رباط(ب)، پیشین: ۲۳۰). کنوانسیون مسئولیت مدنی مذکور نسبت به خسارات ناشی از حادثه اتمی در هر نقطه از دنیا که مربوط به سوخت اتمی کشتی اتمی یا تولیدات و زباله‌های تولید شده در کشتی اتمی که تحت پرچم دولت عضو کنوانسیون در حال حرکت است، اعمال می‌شود. کنوانسیون مذکور به دلایل متعدد به اجرا در نیامد: نخست اینکه، در واقع هیچ کشتی اتمی تجاری در حال بهره‌برداری وجود ندارد و به همین خاطر دولت‌ها دلیلی برای تصویب آن نمی‌بینند. دوم اینکه، کنوانسیون مذکور کشتی‌های اتمی نظامی را هم پوشش می‌دهد، لذا کشورهایی که ناوگان بزرگ از کشتی‌های جنگی دارند تمایلی به عضو شدن ندارند. اصول مسئولیت مدنی در کنوانسیون مذکور همان اصولی است که در دو کنوانسیون وین و پاریس آمده است.

۵۵

۲-۳- اصول حاکم بر مسئولیت مدنی هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی

کنوانسیون‌های بین‌المللی، در رابطه با مسئولیت مدنی هسته‌ای دارای اصول و قواعدی می‌باشند که در واقع این اصول و قواعد مبنای نظام حقوقی ویژه بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای را شکل می‌دهند که عبارت‌اند از:

۲-۳-۱- اصل مسئولیت محض بهره‌بردار

اصل مسئولیت محض بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای از اصولی است که در هر دو کنوانسیون وین و پاریس گنجانده شده است. به موجب این اصل، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای مسئول پرداخت غرامت می‌باشد، صرف‌نظر از اینکه مرتکب تقصیر شده یا نشده باشد. این اصل طرح دعوا از سوی قربانیان حادثه را تسهیل می‌کند، چراکه خواهان در این قسم از مسئولیت به اثبات رابطه سببیت بین حادثه هسته‌ای و خسارتی که درخواست غرامت برای آن کرده است، الزام می‌گردد و بهره‌بردار نمی‌تواند با اثبات اینکه تمام مراقبت‌های

¹ The convention of the liability of operators of nuclear ships

² Strict liability principle

³ Vienna convention , 1963, Article 4 & Paris convention, 1960, Article 4,3

لازم را انجام داده است خود را از مسئولیت معاف کند (رضایی پیش رباط(ج)، ۱۳۹۵: ۲۱). با این حال، کنوانسیون وین مواردی را بعنوان معافیت از مسئولیت^۱ جایز دانسته است و آن عبارت است از مواردی که حادثه هسته‌ای موجب خسارت بطور مستقیم از درگیری‌ها و مخاصمات مسلحانه و جنگ یا شورش داخلی ناشی گردد، که در این موارد بهره‌بردار مسئول نمی‌باشد. استثناء دیگری نیز گنجانده شده است که عبارت است از اینکه بهره‌بردار ثابت کند حادثه بطور کلی یا جزئی از تقصیر شخص زیان دیده یا از ترک فعل یا فعل چنین شخصی که به قصد اضرار بوده است، حادث گردیده که در این حالت دادگاه صالح می‌تواند بهره‌بردار را بطور کلی یا جزئی از تعهد به پرداخت غرامت به چنین شخص زیان دیده معاف نماید.

۲-۳-۲- اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار

اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای دارای دو مهم می‌باشد. جنبه نخست، مسئولیت به سمت بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای کانالیزه می‌شود تا سایر اشخاص که بالقوه ممکن است طبق قواعد عام مسئولیت مدنی به جای بهره‌بردار یا همزمان با بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای مسئول شناخته شوند، از شمول مسئولیت خارج گردند. جنبه دوم، بهره‌بردار خارج از نظام مقرر شده برطبق کنوانسیون مسئولیتی ندارد. این موضوع در حالی است که براساس قواعد عام مسئولیت مدنی، چنانچه حادثه‌ای به جهت معیوب بودن خدمات رخ دهد، اشخاص زیان دیده حق طرح دعوا علیه هر شخصی که چنین خدماتی را عرضه یا تولید کرده است، خواهند داشت. اما کنوانسیون وین خلاف این قاعده را پذیرفته و مقرر می‌کند که: «هیچ شخصی به غیر از بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای نمی‌توان مسئول خسارت هسته‌ای شناخته شود».^۳ اصل مذکور، همچون اصل مسئولیت بدون تقصیر اقامه دعوا از جانب زیان دیدگان حادثه هسته‌ای را تسهیل می‌کند، به این شکل که بار اثبات مسئولیت اشخاص غیر از بهره‌بردار را از عهده قربانیان حادثه بر می‌دارد (همان، ۲۲). فایده دیگر این اصل آن است که دعوی حق رجوع^۴ احتمالی بهره‌بردار بر علیه عرضه کننده را منع می‌کند و یا تا حدود زیادی کاهش می‌دهد. اگر وضعیت غیر از این بود، هر عرضه کننده خدمات ملزم می‌شد مسئولیت خود را در مقابل همان خطری که بیمه مسئولیت بهره‌بردار را نسبت به آن پوشش داده است، بیمه نماید و این متضمن هزینه مضاعف است، بدون اینکه فایده‌ای برای زیان دیده داشته باشد. با این حال حق رجوع در دو مصداق برای بهره‌بردار در نظر گرفته شده است. مصداق نخست، هنگامی که حق رجوع صریحاً به وسیله یک قرارداد

¹ Exonerations from liability

² Exclusive liability

³ Vienna convention, 1963 , Article 2(5)

⁴ Right to recourse

کتبی مقرر شده باشد. مصداق دوم، در مواقعی که حادثه از فعل یا ترک فعل به قصد ایراد ضرر به شخص مسئول ناشی شده باشد. در خصوص مبنای مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای اصطلاحات متفاوتی بکار می‌روند مانند مسئولیت مطلق^۱ و مسئولیت محض که نقطه مشترک هر کدام از آنها اجتناب از معیار تقصیر، بعنوان مبنای مسئولیت است. در هر حال وجود شباهت و تفاوت میان این مفاهیم یک بحث نظری است و اثر عملی بر آن مترتب نخواهد بود. برخی از حقوقدانان عقیده دارند در مواردی که مسئولیت بدون تقصیر باشد ولی خواننده با اثبات یک عامل خارجی فرد را از مسئولیت معاف کند و از مسئولیت محض بکار خواهد رفت، اما مواردی که هیچ قیدی برای معافیت از مسئولیت وجود ندارد اصطلاح مسئولیت مطلق بکار می‌رود. در کنوانسیون‌های بین‌المللی مواردی وجود دارد که خواننده از مسئولیت معاف می‌گردد، لذا در اینگونه موارد که خواننده دعوا از مسئولیت معاف می‌گردد، بهتر است اصطلاح مسئولیت محض را پذیرفت.

۲-۳-۳- اصل محدودیت مسئولیت بهره‌بردار

اصل محدودیت مسئولیت بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای در دو مورد خلاصه می‌شود: نخست، محدودیت از لحاظ زمانی (مرور زمان). دوم، محدودیت از لحاظ میزان غرامت. این اصل در واقع باتوجه به ملاحظات اقتصادی در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای موجب محدودیت اصل جبران کامل خسارت یا اصل اعاده به وضعیت سابق^۲ در حقوق بین‌الملل می‌گردد. مسئولیت مدنی بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای طبق کنوانسیون پاریس به مبلغ معین محدود شده که حداقل میزان مسئولیت پنج میلیون SDRs^۳ و حداکثر آن پانزده میلیون SDRs^۴ پیش‌بینی گردیده است. SDR^۵ به معنای حق برداشت ویژه می‌باشد که یک واحد حسابداری در صندوق بین‌المللی پول به شمار می‌آید. برطبق کنوانسیون وین نیز مسئولیت بهره‌بردار ممکن است توسط دولت محل تاسیسات به مبلغی که کمتر از پنج میلیون دلار ایالات متحده آمریکا نباشد، محدود شود. یک نوع محدودیت مسئولیت زمانی نیز از جهت مرور زمان اقامه دعوا نیز در کنوانسیون‌ها برای بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای در نظر گرفته شده است. فلسفه محدودیت آن است که ماهیت خسارات هسته‌ای بگونه‌ای است که نتایج حاصل از آنها مدت‌ها بعد از وقوع خسارت حادث می‌گردد، لذا اگر مدت خاصی بعنوان مرور زمان اقامه دعوا لحاظ نگردد، در هر زمان این امکان وجود دارد که بهره‌بردار به جهت خسارت حادث شده مورد تعقیب قرار گیرد.

^۱ Absolute liability

^۲ Limitation of liability of the operator

^۳ Restitution in kind

^۴ Special Drawing Rights

^۵ Paris Convention, 1960, Article (7)

^۶ Vienna Convention, 1963, Article (5)

کنوانسیون وین و پاریس در این خصوص مقرر داشته‌اند که: «چنانچه دعوا ظرف مدت ده سال پس از وقوع حادثه اقامه نگردد، حق دریافت غرامت برای قربانیان حادثه هسته‌ای ساقط می‌گردد».^۱

۲-۳-۴- اصل تناسب مسئولیت و پوشش بیمه‌ای بهره‌بردار

بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای برطبق کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی باید مسئولیت خود را از جهت میزان و نوع که دولت محل تاسیسات هسته‌ای مشخص می‌کند، بیمه نماید یا به ارائه سایر تضمینات مالی مبادرت نماید. پوشش مبلغ بیمه‌ای مسئولیت از سوی بهره‌بردار بایستی با میزان مسئولیت وی یکسان باشد. این موضوع تحت عنوان اصل تناسب مسئولیت و پوشش بیمه‌ای کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی گنجانده شده است. دو فایده این اصل عبارت است از: نخست، حمایت از بهره‌بردار در برابر دعاوی جبران خسارت از این جهت که تضمینات مالی جهت جبران خسارات هسته‌ای را دارد. دوم، اطمینان از این جهت که ضرر وارده به اشخاص ثالث مشمول پوشش بیمه می‌گردد.

۳- نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی هسته‌ای در حقوق ایران

رویکرد تقابلی با برنامه هسته‌ای ایران به نتیجه نمی‌رسد، لذا کشورهای غربی بایستی توانایی ایران در حوزه هسته‌ای را به رسمیت بشناسند. برنامه هسته‌ای ایران که با تلاش مجاهدانه دانشمندان هسته‌ای منجر به شکل‌گیری غنی‌سازی بومی هسته‌ای گردیده است، موجب اهمیت یافتن مسائل پیرامون آن نیز گردیده است. یکی از این مسائل مهم، نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی جبران خسارت هسته‌ای در نتیجه بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای در کشورمان است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۳-۱- خلاء قانونی در حوزه مسئولیت مدنی هسته‌ای

کشور ایران عضو هیچکدام از کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای نمی‌باشد، و همچنین قانون مدون در حوزه مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز به تصویب نرسانده است. البته یکسری مقررات در حوزه انرژی هسته‌ای به تصویب رسانده است که از جمله، قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب فروردین ماه سال ۱۳۶۸، و قانون سازمان انرژی اتمی مصوب تیرماه ۱۳۵۳، می‌باشد و همچنین عضویت یافتن در معاهده بین‌المللی اعلام فوری حوادث هسته‌ای و معاهده کمک‌رسانی به هنگام حوادث هسته‌ای و فوریت‌های رادیولوژیکی در سال ۱۳۷۹ که حرکت بزرگی در راستای نظام‌مند کردن حقوق هسته‌ای در کشور ایران می‌باشد لیکن در حوزه مسئولیت مدنی با خلاء قانونی مواجه می‌باشد. لزوم همسویی با کشورهای پیشرفته در صنعت هسته‌ای

¹ Vienna Convention, 1963, Article (2)(5) & Paris Convention, 1960, Article (8)(1)

² Congruence of liability and Coverage Principle

اقتضاء دارد، قانون داخلی متناسب با سیاست قضایی که در این حوزه در کشورمان وجود دارد، به تصویب برسد. لذا باتوجه به موارد مذکور، بایستی نقش مبانی مسئولیت مدنی در حوزه خسارات هسته‌ای و همچنین مقررات موجود در قوانین داخلی که قابلیت استناد در مسئولیت مدنی جبران خسارات هسته‌ای دارد، بررسی گردد.

۳-۲- نقش مبانی مسئولیت مدنی در خسارات هسته‌ای

گذری بر نظریه‌های اصلی در خصوص مبانی مسئولیت مدنی، نشان خواهد داد که در واقع مسئولیت مدنی هسته‌ای براساس کدام نظریات بالیده و توسعه یافته است که عبارت است از:

نخست، نظریه تقصیر: طبق نظریه تقصیر، خسارت قابل مطالبه نخواهد بود مگر اینکه بتوان تقصیر عامل ورود خسارت را اثبات نمود. بار اثبات تقصیر نیز بر دوش زیان دیده خواهد بود. به سخن دیگر، هر شخصی که در نتیجه تعدی و تفریط به دیگری ضرر وارد کند مسئول است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۷۳)، و چنانچه وی در اقدامات زیانبار مرتکب قصوری نشده باشد، مسئولیتی ندارد. به همین جهت نمی‌توان از مبنای تقصیر در جبران خسارات هسته‌ای استفاده نمود، چراکه ماهیت فعالیت‌های راکتورهای اتمی و پیچیدگی و مخفیانه بودن آن، سبب دشواری و در مواردی غیرممکن شدن اثبات تقصیر می‌گردد.

۵۹

دوم، نظریه خطر: طبق نظریه خطر، هر شخص همیشه نسبت به اعمالی که سبب خسارت به دیگری گردیده، مسئول خواهد بود. لذا شخص زیان دیده برای مطالبه زیان کافی است، وقوع زیان و ارتباط آن با عمل و فعل را اثبات نماید. به سخن دیگر، هر شخصی ملزم خواهد شد زیان احتمالی از عمل خود را به عهده بگیرد، خواه از روی تقصیر حادث شده باشد یا غیر آن. در نظریه خطر، به جای احراز رابطه علیت بین تقصیر مرتکب و زیان وارده به رابطه علیت بین مرتکب و زیان مزبور توجه شده است. بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای شاخص‌ترین نوع فعالیت خطرناک است و نظریه خطر از این جهت در مسئولیت هسته‌ای کارایی دارد، اگرچه این نظریه خالی از عیب و ایراد نیست، چراکه ابتکار عمل را محدود می‌کند و بهره‌بردار در حوزه صنعت هسته‌ای بطور ممتد بیم ورود خسارت به دیگری را خواهد داشت و این امر از تشویق بهره‌برداران صنعت هسته‌ای ممانعت و جلوگیری می‌کند.

سوم، نظریه مختلط: در قرن بیستم میلادی نظریه مختلط مطرح شد که در واقع ترکیبی از هر دو نظریه تقصیر و خطر می‌باشد. برطبق این نظریه، شخص باید خسارت وارد شده به دیگران را که ناشی از تقصیر او باشد جبران کند اما گاهی بطور استثنایی بدون آنکه مرتکب تقصیری شده باشد مجبور است خسارت وارد شده به دیگران را جبران کند (صفایی، ۱۳۹۵: ۳۲). در تفسیر نظریه مختلط عده‌ای برای تجدیدنظریه مذکور عمل نامتعارف را مبنای مسئولیت ذکر کرده‌اند. بنابراین کاری که در حد عرف باشد، مسئولیتی در قبال آن

وجود نخواهد داشت، اگرچه منجر به خسارت به دیگران و مضر به حال آنها باشد. اما اگر خارج از حدود عرفی باشد، منجر به مسئولیت می‌شود، و به صرف داشتن حق موجب معافیت عامل خسارت نمی‌شود. نظریه مختلط نمی‌تواند باتوجه به شدت و وسعت خسارت که از فعالیت‌های هسته‌ای حادث می‌گردد، برای توجیه مبنای مسئولیت مدنی مناسب باشد.

چهارم، نظریه تضمین حق: این نظریه دیگران را موظف به تضمین احترام به ایمنی، سلامتی، حیات و حقوق دیگران می‌نماید. این نظریه در جدال میان آزادی و مسئولیت مدنی حق تقدم را به آزادی می‌دهد، لذا براساس چنین نظریه‌ای می‌توان گفت که در راستای تضمین احترام به حق سلامتی، حق حیات افراد، اگر شخصی به آنها آسیب وارد نماید مسئول جبران خسارت است، حتی اگر از وی تقصیر سر نزده باشد (همان، ۳۴). این نظریه بین خسارات و ضررهای وارده قائل به تفکیک می‌شود و خسارت‌های مالی و بدنی را قابل جبران و خسارت‌های معنوی و اقتصادی را در صورتی که با خسارت‌های مالی و بدنی همراه نباشد، غیرقابل جبران می‌داند، مگر اینکه شخص در اعمال حق‌اش مرتکب تقصیر شده باشد. باید توجه داشت تفکیک میان خسارات همان نکته‌ای است که منجر می‌شود این نظریه نتوان مبنای مناسبی برای جبران خسارت در حوزه مسئولیت مدنی هسته‌ای باشد. چراکه خسارت‌های هسته‌ای گسترده و عظیم است و همه خسارت‌های مادی و معنوی، مالی و اقتصادی، بدنی را ممکن است شامل گردد.

پنجم، نظریه استناد عرفی: برطبق نظریه استناد عرفی هر فرد جوابگوی افعالی می‌باشد که به وی نسبت داده می‌شود. حدیث «مَنْ أَضَرَ بَشِيءٍ مِنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» بعنوان یکی از مستندات فقهی قاعده نفی ضرر، در جهت اثبات نظریه قابلیت استناد عرفی مورد استفاده قرار گرفته است. برطبق این حدیث، که به شکل مطلق از اضرار سخن گفته است و ورود ضرر را مقید به تقصیر نمی‌داند، اینطور استنباط می‌گردد که جهت مسئول دانستن شخص، استناد عرفی ضرر به وی دارای اهمیت می‌باشد. باتوجه به این موارد می‌توان از نظریه مذکور بعنوان یکی از مبانی برای توجیه مسئولیت کلیه اشخاص دخیل در تحقق حادثه هسته‌ای بهره برد. لذا طبق این نظریه، نظام حقوقی ایران از این منظر که تقصیر را جهت مسئول دانستن عامل زیان ملاک نمی‌داند با کنوانسیون‌های بین‌المللی مشابهت دارد، ولی در حالتی که حادثه ناشی از سبب خارجی باشد با در نظر گرفتن مقررات موجود نمی‌توان از مسئولیت مدنی سخن گفت. نهایتاً باتوجه به ماهیت ذاتاً خطرناک مواد رادیواکتیو قانونگذار کشور ایران بایستی تضمینات مطلوب برای قربانیان حوادث عظیم هسته‌ای مقرر نماید.

۳-۳- مقررات قابل استناد در مسئولیت مدنی خسارات هسته‌ای

در نظام حقوقی ایران، نظر به خلاء قانونی و عدم الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی، ناگزیر بایستی جهت شناسایی مسئول جبران خسارات هسته‌ای به قواعد عام مسئولیت مدنی مراجعه گردد. فعالیت‌های هسته‌ای در ایران در اختیار دولت است. مراد از مفهوم دولت در اینجا در معنای محدود می‌باشد، یعنی سازمان‌هایی که اداره امور جامعه را برعهده دارند (طباطبایی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۲۵). مبنای مسئولیت مدنی دولت هنوز بر نظریه قدیمی تقسیم اعمال به حاکمیت و تصدی مبتنی است که این مبنا در توجیه مسائل جدید متحده کارایی ندارد. اگر فعالیت‌های هسته‌ای از مصادیق اعمال تصدی در نظر گرفته شود، ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ اعمال می‌گردد. در ماده مذکور، مسئولیت بر تئوری فرض تقصیر مبتنی می‌باشد (کاتوزیان، پیشین: ۵۳۷). اگر در خصوص قربانیان حوادث اتمی حکم ماده ۱۲ اعمال گردد، بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای قادر خواهد بود، به صرف اثبات اینکه در جهت انجام فعالیت‌های هسته‌ای استانداردهای ایمنی هسته‌ای را در کلیه مراحل بهره‌برداری از تاسیسات هسته‌ای رعایت نموده است یا چنانچه احتیاط‌های لازم را به عمل می‌آورد باز هم جلوگیری از ایراد خسارت مقدور نمی‌بود از مسئولیت معاف گردد و قربانیان حادثه را با اعسار کارگران تاسیسات اتمی مواجه می‌سازد. این امر در تضاد با اصول مورد پذیرش در کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای است، زیرا در کنوانسیون‌های بین‌المللی ۶۱ مسئولیت مدنی هسته‌ای اثبات خلاف مسئولیت عینی نیازمند فورس ماژور است و اثبات خلاف آن با انجام امور متعارف ممکن نیست.

اگر فعالیت‌های هسته‌ای از مصادیق اعمال حاکمیت دولت تلقی گردد، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ اعمال می‌گردد. طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، دولت در مقام اعمال تصدی ضامن است و نه اعمال حاکمیت (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۸: ۳۹۰). لذا دولت بنا به ضرورت انجام فعالیت‌های صلح‌آمیز اتمی در جهت تأمین منافع عمومی از جبران خسارات هسته‌ای معاف می‌گردد و خسارات در این حالت بدون جبران باقی می‌ماند. این امر در تعارض با قاعده لاضرر است، بدیهی است که با استناد به این ماده امکان جبران خسارت از سوی دولت نیست، لذا در خصوص اعمال حاکمیت می‌بایست از سوی قانونگذار تدابیر مطلوب‌تری جایگزین گردد. البته در لایحه جدید «مسئولیت مدنی موسسات عمومی» که هماهنگ با نظریه‌های جدید علمی و منطبق با نیازهای جامعه ایرانی و با استفاده از مطالعات تطبیقی به وسیله گروهی از محققان اداره کل پژوهش و اطلاع‌رسانی نهاد ریاست جمهوری تقدیم مجلس شورای اسلامی گردیده است، این مشکل تا حدودی مرتفع شده است، چراکه در ماده ۱ لایحه بدون تفکیک میان اعمال حاکمیتی و تصدی، اصل مسئولیت تمام بخش‌های حکومتی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، هنوز بعد از گذشت سال‌ها

این لایحه مسکوت مانده و تصویب نشده است (صفایی، پیشین: ۳۴۵). شایسته است دولت ایران همچون سایر دولت‌ها در راستای قدم گذاشتن در مسیر بهره‌برداری از فناوری هسته‌ای، تدوین مقررات خاص منطبق با اصول کنوانسیون‌های بین‌المللی، جهت پوشش مسئولیت مدنی هسته‌ای را در دستور کار خود قرار بدهد.

۴- نظام حقوقی حاکم بر حل تعارض صلاحیت قضایی و قانونی در دعاوی خسارات هسته‌ای

خسارات هسته‌ای می‌تواند فراتر از مرزهای ملی یک کشور و یا حین حمل مواد هسته‌ای خارج از قلمرو کشور متصدی مسئول، وارد گردد. در چنین مواردی برای اقامه دعوا، مسئله نخست آن است که از میان دادگاه‌هایی که ممکن است صلاحیت رسیدگی داشته باشند کدام یک صلاحیت قضایی دارد. بعد از تعیین دادگاه صالح، مسئله دوم آن است که دادگاه صالح چه قانونی را باید اعمال نماید. از آن جهت که حل تعارض صلاحیت قضایی مقدم بر حل تعارض صلاحیت قانونی می‌باشد (الماسی، ۱۳۹۵: ۲۲)، ابتدا به صلاحیت قضایی و سپس به صلاحیت قانونی پرداخته می‌شود.

۴-۱- حل تعارض صلاحیت قضایی

کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، در دعاوی ناشی از خسارات هسته‌ای دادگاه کشور محل وقوع حادثه^۱ و در بعضی موارد دادگاه کشور مقر تأسیسات هسته‌ای^۲ را صالح به رسیدگی دانسته‌اند. از طرفی طبق کنوانسیون هسته‌ای وین، اگر قسمتی از حادثه هسته‌ای خارج از قلمرو کشورهای عضو رخ دهد و قسمتی از آن در داخل مرزهای کشور عضو معاهده، در این صورت دادگاه‌های کشور عضو معاهده صلاحیت رسیدگی دارند.^۳ مسئولیت متصدی تأسیسات هسته‌ای محدود است و سقف آن در مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی پیش‌بینی شده است، لذا رعایت اصل محدودیت مسئولیت بهره‌بردار و از طرفی تقسیم عادلانه غرامت به قربانیان حادثه زمانی امکان‌پذیر است که دادگاه صالح واحدی برای رسیدگی به کلیه دعاوی ناشی از خسارات هسته‌ای تعیین گردد. برطبق همین موضوع کنوانسیون‌های هسته‌ای قاعده‌ای با عنوان قاعده صلاحیت انحصاری دادگاه^۴ مقرر کرده‌اند که برطبق آن صلاحیت انحصاری رسیدگی به دعاوی خسارت هسته‌ای را به دادگاه کشوری که حادثه در آن واقع شده است، اعطا می‌کنند و از طرفی هریک از کشورهای عضو کنوانسیون باید تضمین نمایند که فقط یکی از محاکم آنها در مورد حادثه هسته‌ای که در کشور دیگر

¹ Court of the incident

² Nuclear installation Court

³ Vienna convention, 1963, Article 11

⁴ Exclusive Jurisdiction

رخ داده است، صلاحیت قضایی دارند (استوبیر، ۱۳۸۸: ۱۱۵). قاعده مذکور باعث ایجاد قطعیت قانونی می‌شود و از موقعیتی که خواهان به دنبال قضاوت و داوری مناسب تری باشد جلوگیری می‌کند.

در حقوق ایران، قانونی در ارتباط با صلاحیت قضایی بین‌المللی در حوزه مسئولیت مدنی وجود ندارد، لذا باید به قواعد تعیین صلاحیت قضایی در حقوق داخلی استناد نمود. در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب فروردین ماه سال ۱۳۷۹ قواعد مهمی در خصوص تعیین صلاحیت ذکر شده است که امکان اعمال آن در امور بین‌المللی وجود دارد. ماده ۱۱ قانون آئین دادرسی، بارزترین قواعد تعیین صلاحیت قضایی را عنوان کرده است. برطبق این ماده، صلاحیت قضایی دادگاه محل اقامت خواننده، بعنوان اصل ملاک عمل قرار گرفته است که در بیشتر دعاوی مطروحه اعمال می‌گردد (نهرینی، ۱۳۸۷: ۴۹). از طرفی در خصوص صلاحیت قضایی در مورد مسئولیت مدنی مقرره‌ای وجود ندارد تا بعنوان استثناء بر اصل مذکور بکار گرفته شود، لذا به نظر می‌رسد باید به اصل مراجعه کرد و مشمول قاعده صلاحیت قضایی دادگاه محل اقامت خواننده می‌گردد. در مورد صلاحیت قضایی در دعاوی ناشی از حوادث هسته‌ای نسبت به کشور ایران دو فرض قابل طرح است: فرض نخست، حادثه ناشی از تاسیسات هسته‌ای ایران رخ بدهد و به کشورهای دیگر تسری پیدا کند و تبعه زیان دیده داخلی و خارجی بخواهند اقامه دعوا نمایند. در این حالت باتوجه به مبنای اقامت خواننده مذکور در ماده ۱۱ و همچنین ارتباط این حادثه با نظم و آسایش عمومی دادگاه ایران صلاحیت قضایی رسیدگی نسبت به ۶۳ اتباع خود و اتباع سایر کشورها را دارد. فرض دوم، حادثه ناشی از تاسیسات هسته‌ای سایر کشورها در ایران رخ بدهد و خواهان (زیان دیده) بخواهد طرح دعوا نماید. زیان دیده باید در دادگاهی اقامه دعوا نماید که از جهت اجرای حکم صادره با اشکال مواجه نگردد و نتیجه مطلوب حاصل کند. در این حالت، دادگاه کشور محل وقوع تاسیسات هسته‌ای که در حقیقت محل اقامت خواننده (عامل زیان) است صلاحیت قضایی رسیدگی به دعوا را دارد.

۴-۲- حل تعارض صلاحیت قانونی

صلاحیت قضایی یک کشور الزاماً به صلاحیت قانونی آن کشور منجر نمی‌گردد (الماسی، پیشین: ۲۲). پس از حل تعارض صلاحیت قضایی اینکه، دادگاه صالح بایستی براساس قانون کدام کشور به مسئله رسیدگی کند، بایستی مورد بررسی قرار گیرد. برای تعیین صلاحیت قانونی در مسئولیت مدنی به صورت کلی چندین نظریه مطرح گردیده است که نظریه قانون محل وقوع عامل زیان بار، قانون محل وقوع خسارت، قانون مقر دادگاه، قانون مناسب، تحلیل منافع از جمله آنها می‌باشد (طباطبایی‌نژاد، پیشین: ۸۴).

طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی در رابطه با صلاحیت قانونی، دادگاه صالح در ابتدا به اعمال مقررات کنوانسیون ملزم گردیده است که به صورت خود به خود اجرا شوند^۱ هستند. در واقع اینگونه مقررات، مقرراتی هستند که کنوانسیون‌های بین‌المللی به صراحت درباره آنها مقررهای تعیین کرده است و تصمیم‌گیری در خصوص آن را به قوانین ملی کشور محل تأسیسات یا دیگر قوانین واگذار نکرده است. این مقررات در واقع همان اصولی است که کنوانسیون‌های بین‌المللی وضع کرده‌اند و کشور تصویب کننده کنوانسیون باید آن را رعایت کرده و دادگاه‌های کشور عضو باید آن را اجراء نمایند (فقیهی، پیشین: ۱۳۳). اما کنوانسیون‌های بین‌المللی، اتخاذ تصمیم راجع به اموری مانند نحوه پرداخت بعضی خسارات جبران شدنی و نیز قواعد حل تعارض را برعهده قانون مقرر دادگاه صالح^۲ گذاشته است، که در واقع دسته دوم مقررات قابل اعمال می‌باشد. دسته سوم از مقررات قابل اعمال در صلاحیت قانون کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای گذاشته شده است که مسائلی از قبیل: تعیین متصدی، واحد دانستن تأسیسات هسته‌ای در فرض تعدد متصدیان که همگی در یک سایت هسته‌ای مستقر هستند، در این مصادیق دادگاه صالح هر چند دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای نباشد ملزم به رعایت آن قانون است و باید از آن تبعیت کند (حاجی نوری، ۱۳۹۷: ۲۴۴).

کشور ایران، عضو هیچ کدام از کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای نبوده و قانون مدونی در حوزه مسئولیت مدنی خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای ندارد و از طرفی قاعده‌ای در حقوق داخلی در رابطه با حل تعارض صلاحیت قانونی در مسئولیت مدنی به چشم نمی‌خورد، لذا باید به قواعد کلی مراجعه کرد. به همین منظور شاید بتوان به ماده ۵ قانون مدنی و نیز معاهدات منعقد شده میان ایران و سایر کشورها که در حکم قانون است، استناد نمود. ماده ۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد که: «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع خارجه و داخله مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». این ماده مصداق اصل سرزمینی بودن قوانین می‌باشد و بنابراین اصل در تمام دعاوی طرح شده در دادگاه‌های ایران، قانون ایران صالح است و در صورت تردید در اجرای قانون ایران و خارج، در مقام حل تعارض صلاحیت قانونی، قانون ایران در خصوص ساکنان آن اجرا خواهد شد (کاتوزیان، پیشین: ۲۸). بنابراین قانون ماهوی ایران صالح خواهد بود هرگاه که آسیبی وارد شده و به ضرر مادی و معنوی منجر گردد و دعوا در ایران طرح گردد، ولی اگر دعوا در دادگاه خارجی طرح گردد، آن دادگاه براساس قواعد حل تعارض صلاحیت خود قانون صالح را مشخص می‌کند. لذا با عنایت به ماده ۵ مشخص می‌گردد، حقوق ایران در خصوص صلاحیت قانونی از قاعده حل تعارض قانون محل وقوع فعل زیان بار تبعیت می‌نماید، اما باتوجه به اینکه صلاحیت قانون محل وقوع فعل زیانبار به شکل مطلق بر دعوی مسئولیت مدنی ممکن است منجر به نتایج نادرست در برخی مصادیق گردد،

¹ Self – executing

² Law of the competent court

³ Law of the Installation State

شایسته است که در برخی موارد خاص، حاکمیت قانونی که طبق تشخیص دادگاه بیشترین ارتباط را با طرفین دعا و حادثه زیان بار دارد بر دعاوی مسئولیت مدنی هسته‌ای بپذیریم، که عمده‌ترین این ملاک‌ها عبارت است از: محل وقوع خسارت، محل وقوع فعل یا ترک فعل سبب خسارت، اقامتگاه، تابعیت. مقررات مندرجه در معاهدات منعقد شده میان ایران و دیگر دولت‌ها که در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است، برطبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون می‌باشد. لذا با عنایت به خلاء قانونی در رابطه با تعیین صلاحیت قانونی نسبت به دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، یکسری موافقتنامه همکاری قضایی دو جانبه بین ایران و دولت‌های روسیه، آذربایجان و قرقیزستان به صورت جداگانه امضاء شده و به تصویب رسیده که در آنها مسئولیت جبران خسارت، تابع قانون محل وقوع فعل زیان بار دانسته شده است (حاجی نوری، پیشین: ۲۴۹). نهایتاً در رابطه با صلاحیت قضایی، چه قانون محل وقوع فعل زیان بار و چه دادگاه محل اقامت خواننده ملاک عمل قرار گیرد، در خصوص دعاوی مطروحه ناشی از مسئولیت مدنی حوادث هسته‌ای که منشاء آن تاسیسات هسته‌ای واقع در ایران باشد، از آنجا که هم محل وقوع فعل زیانبار و هم محل اقامت متصدی تاسیسات هسته‌ای در ایران است، صلاحیت قانونی با کشور ایران خواهد بود.

نتیجه‌گیری

فناوری بومی هسته‌ای با تلاش مجاهدانه دانشمندان اتمی ایران در داخل کشور به جریان افتاده است. موضوع مذکور باعث طرح این مسئله می‌گردد که چنانچه در اثر فعالیت‌های مخاطره‌آمیز هسته‌ای، خساراتی به انسان‌ها و موجودات و محیط زیست وارد شود و به تبع باب مسئولیت مدنی خسارات هسته‌ای بازگردد، آیا مقرراتی در حوزه مسئولیت مدنی جبران اینگونه خسارات در حقوق داخلی وجود دارد. نتایج حاصله حاکی از آنکه نظام حقوقی ایران، در خصوص سیاست قضایی در این حوزه خط مشی مشخصی ندارد و با خلاء قانونی همراه است و همسویی با کشورهای پیشرفته در صنعت هسته‌ای ضرورت تدوین قوانین را آشکار می‌کند. با یک بررسی تطبیقی در سطح بین‌المللی مشخص گردید که نخستین قانون ملی در ارتباط با مسئولیت مدنی جبران خسارات هسته‌ای در ایالات متحده آمریکا به تصویب رسیده است که این قانون، ملاک عمل برای تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی در جهت ایجاد یک نظام بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای گردیده است. کنوانسیون‌های وین و پاریس که به ترتیب به همت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان همکاری و اقتصاد اروپا تدوین گردید، مشتمل بر اصول هستند که نظام حاکم بر مسئولیت مدنی هسته‌ای بین‌المللی برپایه آنها بنا گردیده است. مهمترین اصل مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی، اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تاسیسات هسته‌ای می‌باشد که مسئولیت را به سمت بهره‌بردار جهت‌دهی کرده است. در حقوق

ایران بهره‌برداری از تاسیسات هسته‌ای در اختیار دولت است. مبنای مسئولیت مدنی دولت همچنان بر مبنای نظریه تقسیم اعمال به حاکمیت و تصدی می‌باشد، که مبنای مطلوبی نیست. لذا جهت شناسایی مسئول جبران خسارت در حقوق ایران بایستی به مواد ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی استناد نمود. البته تصویب لایحه تقدیمی دولت می‌تواند در این حوزه راهگشا باشد، اگرچه تاکنون در مجلس شورای اسلامی مسکوت مانده است و اقدامی ندارد. کنوانسیون‌های بین‌المللی باتوجه به ماهیت فرامرزی و امکان تسری خسارات هسته‌ای به مرزهای جغرافیایی سایر کشورها و اقامه دعاوی جبران خسارت، و به تبع مطرح شدن تعارض قوانین و دادگاه‌ها به جهت وجود یک عنصر خارجی (زیان دیدگان خارجی) مقرراتی را در ارتباط با حل تعارض صلاحیت قضایی و قانونی به تصویب رسانده‌اند. قاعده صلاحیت انحصاری دادگاه مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی حاکی از آن است که صلاحیت انحصاری رسیدگی به دعاوی، به دادگاه کشوری که حادثه در آن واقع شده است، اعطاء می‌گردد. با این حال در مصادیقی به دادگاه مقر تاسیسات هسته‌ای نیز صلاحیت رسیدگی داده شده است. در رابطه با صلاحیت قانونی نیز حسب مورد مقررات کنوانسیون‌ها، قانون مقر دادگاه صالح، قانون مقر تاسیسات هسته‌ای صالح می‌باشد. نهایتاً پیشنهاد می‌گردد، اولویت فعلی در نظام حقوقی ایران تصویب قانون مسئولیت مدنی هسته‌ای متناسب با سیاست قضایی موجود و با بهره‌گیری از اصول مطلوب مندرج در کنوانسیون‌ها است، تا الحاق به چنین کنوانسیون‌های بین‌المللی چراکه طبق کنوانسیون‌های مذکور، مقررات فقط نسبت به کشورهای عضو قابل تسری است، این در حالی است که کشورهای همسایه ایران نیز هیچکدام به کنوانسیون‌ها ملحق نگردیده‌اند که به طریق اولی امکان اعمال مقررات نسبت به آنها وجود نخواهد داشت.

۶۶

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- استوبیر، کارلتون و دیگران (۱۳۸۸)، **حقوق هسته‌ای**، مترجم: علی اصلی عباسی، تهران: نشر مجد.
- ۲- الماسی، نجادعلی (۱۳۹۵)، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، تهران: نشر میزان.
- ۳- حاجی نوری، غلامرضا (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی دادگاه صالح و قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای در اسناد بین‌المللی، حقوق ژاپن و ایران»، **مجله مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۹، ش ۱.
- ۴- رضایی پیش رباط (الف)، صالح (۱۳۹۱)، **مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل هسته‌ای**، تهران: نشر اندیشه عصر.
- ۵- رضایی پیش رباط (ب)، صالح (۱۳۹۳)، **مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پیشگیری و جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای**، تهران: نشر خرسندی.

- ۶- رضایی پیش رباط (ج)، صالح (۱۳۹۵)، نظام حقوقی بین‌المللی مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای، تهران: نشر خرسندی.
- ۷- صفایی، سید حسین (۱۳۹۵)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: نشر سمت.
- ۸- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۸)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: نشر میزان.
- ۹- طباطبایی نژاد، سید محمد حسین (۱۳۹۶)، تعارض قوانین در مسئولیت مدنی، تهران: نشر اندیشه عصر.
- ۱۰- فقیهی، شهروز (۱۳۸۹)، «مسئولیت مدنی بین‌المللی ناشی از حوادث هسته‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ۱۲- مشیرپور، فریبا (۱۳۹۴)، فناوری هسته‌ای و حفاظت از محیط زیست در پرتو حقوق بشر، تهران: نشر مجد.
- ۱۳- محقق منتظری، لیلا (۱۳۸۳)، «مسئولیت مدنی خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای در معاهدات بین‌المللی و مقررات دولت‌ها»، ماهنامه دادرسی، ش ۴۶
- ۱۴- ناظری، آرزو (۱۳۹۲)، «تبیین احکام خاص جبران خسارت در مسئولیت مدنی هسته‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه اصفهان.
- ۱۵- نهرینی، فریدون (۱۳۸۷)، «مسئولیت مدنی قراردادی و قهری از حیث صلاحیت دادگاه»، مجله قضاوت، ش ۵۰.
- ۱۶- وجدی، محمدعلی (۱۳۹۲)، بررسی حقوقی قطعنامه در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تهران: نشر جاودانه.
- ۱۷- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۳)، «مسئول جبران خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوق دانشگاه شیراز، دوره ۶، ش ۲.
- ۱۸- هاشم‌پور، ارحام (۱۳۹۲)، نظام حقوقی حاکم بر تجارت بین‌الملل کالا و مواد هسته‌ای، تهران: نشر خرسندی.

لاتین:

- 19- Price - Anderson ACT 1957.
- 20- Paris convention on Nuclear Third Party Liability 1960.
- 21- The convention of the liability of operators of nuclear ships 1962.
- 22- Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage 1963.
- 23- Convention relating civil liability field of maritime carriage of nuclear material 1971.
- 24- Joint protocol relating to applicability of the Vienna and Paris convention 1988.
- 25- Protocol to Amend the Vienna convention on civil liability for nuclear damage 1997.
- 26- Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage 1997.